

درباره‌ی موسیقی منتخب نمایش «در انتظار اولیس»

این نمایش به نویسندگی بهزاد عشقی و کارگردانی امیر ثابت در رشت برگزار شد.

محمد رضا یکرنگ صفاکار ۱۳۷۲/۰۲/۲۲

در آغاز و میانه نمایش، هنگامی که «پنه لویه» در کابوس‌هایش اولیس را در نبرد با غول‌های دریایی می‌بیند قسمتی از «اورتور گیوم تیل» اثر روسینی (۱۸۶۸-۱۷۹۲) شنیده می‌شود که در اصل برای تجسم عبور «ویلهم تل» و یارانش از رودی خروشان تصنیف شده است و هنگامی که تاجر روایت خود را از سرنوشت اولیس باز می‌گوید، دو واریسیون از تم اول «اورتور هلندی سرگردان» اثر «واگنر» (۱۸۱۳-۸۳) بگوش می‌رسد که در اصل تجسم گر کشتی طوفان‌زده‌ی ناخدایی نفرین‌شده است که طلسم سرگردانی ابدی او در میان دریاها، فقط آنگاه خواهد شکست که زنی را بیابد که تا پای مرگ عاشقش باشد. به‌جز این دو، دیگر قطعات موسیقی نمایش از آثار چایکوفسکی (۱۸۴۰-۹۳) انتخاب شده‌اند:

در لحظاتی از ابتدا تا انتهای نمایش قسمت‌هایی از موومان دوم سمفونی یک چایکوفسکی به قصد تأکید بر حضور «اولیس» و به‌عنوان تم معرف (موتیف) اصلی مورد استفاده قرار می‌گیرد. موومانی که «سرزمین ابرومه» نامید شده و با لحنی نوستالژیک (غم غربت گریانه) تجسم بخش سرزمینی آرمانی است که در افق‌های دور فضایی مه‌آلود و از پس ابرهای یأس و تردید، هر بار با شدت و وضوحی بیشتر از پیش جلوه‌های گوناگونش را در مقابل دیدگان آرزومند خیال می‌نمایند؛ و این معنی با درون‌مایه نمایش همسویه است. در صحنه‌های آغازین به همراه اولین و دومین حضور خواستگاران، به‌مثابه نمایندگان اشراف یونان، دو واریسیون از تم اول «کاپریچو ایتالیا» را می‌شنویم. تمی که شیپورها باحالتی باشکوه و به‌گونه‌ای که یادآور عظمت رم باستان (در اصل) باشد آن را می‌نوازند؛ و در صحنه‌های پایانی، آنجا که خواستگاران توطئه‌پلیدشان را به انجام می‌رسانند شیپورها اما به‌گونه‌ای شوم، فاجعه‌بار و تسلط‌یابنده به صدا در می‌آیند و این تم همان است که در سمفونی چهارم چایکوفسکی موتیف سرنوشت پنداشته می‌شود. از چند واریسیون تم دوم «کاپریچو ایتالیا» که لحنی تاریخی و نوستالژیک دارد برای بیان تردیدهای پنه لویه در برابر خواستگاران در نیمه اول نمایش و از تم پنجم آن که جشنی باشکوه و آمیخته با قدرت و هراس را مجسم می‌کند برای جشن بازگشت «اولیس» استفاده می‌شود. پیش از بازگشت اولیس، آنگاه که خواستگاران به جواب مساعد پنه لویه امیدوار می‌شوند و هم‌زمان با خاموشی نور صحنه، قسمت پایانی سمفونی دوم بگوش می‌رسد که در ابتدا ریتمی تند و لحنی شاد و چابک دارد اما به‌تدریج لحنی هراسناک می‌یابد به‌گونه‌ای که انگار وقایع شومی را پیشگویی می‌کند. اوج تراژیک نمایش را موسیقی تراژیک و سرنوشتی پایان موومان اول «سمفونی مانفرد» همراهی می‌نماید. قسمتی از یک رقص از باله «دریاچه قو» آنجا که اولیس و پنه لویه خاطرات شیرین خود را به یاد می‌آورند و نیز قسمتی از «اورتور رومئو و ژولیت» که نبرد رومئو و پاریس را بر مزار ژولیت مجسم می‌کند به هنگام جنگ شمشیر «بدوس» و اولیس مورد استفاده قرار می‌گیرند و سرانجام پایان «اورتور رومئو و ژولیت» که در آن ضربات مؤثر ارکستر، انگار، به تم وداع مشهور این اورتور که سرشار از عشق و انتظار است جاودانگی می‌بخشد، با واپسین لحظات نمایش همراه می‌شود.

بدینگونه سعی شده است که در انتخاب و بکارگیری قطعات موسیقی مناسب برای نمایش از همسویی با منظور آهنگساز در تصنیف آن‌ها غفلت نشود؛ و در این راستا موسیقی چایکوفسکی برگزیده شده است. موسیقی که همواره تردید، انتظار، عصیان و نوستالژی را با عالی‌ترین آرزوها و آرمان‌های انسانی همچون عشق در هم می‌آمیزد و چنین است که آن را به دور از مضمون نمایش نمی‌یابیم و نیز به دور از این کلام «اولیس» در پایان نمایش که: «اگر عشق نیست، هرگز هیچ آدمی‌زاده را تاب سفر این چنین نیست!»